

پیام نهم

به خلاف جنگ رسانه‌ای در دهه اخیر، مشارکت مردم در پوشش جان‌فدا نشان داد ملت و دولت ایران از یکدیگر جدایی ناپذیرند.



در دو دهه گذشته، جامعه ایران در معرض یک جنگ شناختی و روایتی پیچیده قرار داشت؛ جنگی که هدف آن بازتعریف ادراک مردم از نهادهای رسمی، تضعیف اعتماد نهادی و ایجاد فاصله‌نمادین میان مفهوم ملت و دولت بود. در جنگ روایت‌ها دشمن تلاش زیادی کرد تا پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان مردم و ساخت قدرت را ضعیف کند و در ذهن جمعی، دوگانگی میان «مای مردم» و «دیگران نظام و حاکمیت» را تثبیت نماید. اما پوشش جان‌فدا نشان داد که این گسست، بیشتر در سطح ذهنی فعال بوده و در بستر فرهنگی و عاطفی جامعه، شکل واقعی ندارد.

پوشش جان‌فدا با مشارکت میلیونی مردم، نوعی بازسازی پیوند ملت-دولت در سطح تجربی را نشان داد. این نوع کنش، نشان‌دهنده آن است که جامعه ایرانی همچنان هویت خود را در نسبت با نظام نمادین قدرت باز می‌سازد و دولت را نه یک دیگری خصمانه، بلکه بخشی از کلیت اجتماعی جامعه ایرانی می‌بیند. در این معنا، دولت از نگاه مردم تجسم جمعی از هویت ملی و حافظه تاریخی است؛ مفهومی که در لحظات هم‌بستگی جمعی، فعال می‌شود. در مقابل جنگ‌های رسانه‌ای دشمن، مشارکت گسترده در این پوشش نشان داد که هنگامی که یک ارزش اجتماعی-اخلاقی بزرگ مطرح می‌شود، خطوط گسست ذهنی ساخته شده فروریخته و پیکره ملت و دولت به صورت یک شبکه همپوشان معنا و احساس عمل می‌کند. این پوشش، نشانه‌ای از درهم‌تنیدگی ساخت نمادین ملت و دولت است که در فرهنگ ایرانی، از طریق حافظه تاریخی، آیین‌های جمعی و احساس مسئولیت اخلاقی نسبت به امر عمومی، تداوم یافته است.

پیام دهم

پوشش جان‌فدا نشان داد که جنگ روانی و شناختی می‌تواند معکوس عمل کند و فشار خارجی، به‌جای تضعیف روحیه داخلی، آن را تقویت نماید.

پوشش جان‌فدا از مرزهای زبان فارسی عبور کرده و با منطق عدد و اراده، مشغول مخابره پیامی راهبردی به آن سوی مرزهاست. آنچه جهان باید از جان‌فدا بشنود، صدای فروپاشی یک تصویر قالبی است. سال‌هاست اتاق‌های فکر غربی و رسانه‌های جریان اصلی، جامعه ایران را خسته، سرخورده و آماده عقب‌نشینی در برابر فشارهای بیرونی تصویر کرده‌اند. این روایت، چنان تکرار شده که بدیهی انگاشته می‌شود. حالا جان‌فدا با ارقامی که هر روز بالا می‌رود، این پیش‌فرض را به چالش کشیده است. بیش از ۳۰ میلیون مشارکت‌کننده، پیش از آنکه یک آمار باشد، یک پیام سیاسی با مخاطبانی کاملاً مشخص است، فرماندهان نظامی که گزینه‌های روی میز را بررسی می‌کنند، تحلیلگران راهبردی که هزینه فایده حمله را می‌سنجند و سیاست‌مدارانی که تصور می‌کنند فشار حداکثری ملت ایران را به زانو درمی‌آورد. محتوای این پیام، روشن است؛ جامعه ایران در برابر تهدید خارجی منفعل نمی‌نشیند. این انفعال‌ستیزی، راوی داستانی تازه در معادلات امنیتی خاورمیانه است. دکترین‌های نظامی کلاسیک، قدرت یک کشور را در توان تخریب و تسلیحاتش جست‌وجو می‌کنند اما جان‌فدا عنصر سومی را وارد این محاسبه می‌کند، سرمایه اجتماعی آماده برای میدان. جان‌فدا همچنین پیام‌آور یک انسجام عملی است. این پوشش به نظاره‌گران بین‌المللی نشان می‌دهد که شکاف‌های داخلی ایران که بزرگ‌نمایی آن به صنعتی رسانه‌ای بدل شده، در لحظه تهدید بیرونی ترمیم می‌شود. حضور هم‌زمان علما و ورزشکاران، مدیران اجرایی و جوان دانشجوی ... در یک فهرست، یعنی ملت ایران برای دفاع از خاک، همه اختلاف‌ها را کنار می‌گذارد. این تصویر برای دشمنی که روی گسل‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری کرده، یک ناامیدی جدی می‌سازد.

جهان امروز شاهد است که ایران حتی در میدان جنگ شناختی نیز دست به مقاومت فعال زده است. پیام جان‌فدا به بیرون از مرزها این است، شما می‌توانید تحریم کنید، می‌توانید تهدید نظامی را روی میز نگه دارید، می‌توانید شبکه‌های بی‌اعتمادی را در فضای مجازی بگسترانید اما اراده مردمی را که در یک پوشش گرد هم می‌آید و اعلام می‌کند من ایستاده‌ام را نمی‌توانید از بین ببرید؛ این بزرگ‌ترین دستاورد راهبردی جان‌فدا و رساترین پیامی است که این روزها از قلب ایران به گوش جهان می‌رسد.

پیام یازدهم

پوشش جان‌فدا نمایانگر حقیقت فرهنگ انقلابی مردم ایران است.



پوشش جان‌فدا انعکاس وجهی از فرهنگ انقلابی مردم ایران است که رهبر انقلاب در واپسین سخنرانی‌های منتهی به شهادتشان به آن اشاره فرمودند: «ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خود را به خوبی بلد است». تصور دشمن آمریکایی-صهیونیستی این بود که با کودتا و فتنه دی‌ماه توانسته انشقاقی در جامعه ایران ایجاد کند و با ترور رهبر انقلاب و فرماندهان ارشد نظامی، مردم انقلابی ایران را دلسرد می‌کند و ترس و سستی را در آنها به وجود می‌آورد، اما آنچه در خیابان‌ها و شهرهای ایران رخ داد، یک خروش ملی برآمده از فرهنگ اصیل و عمیق انقلابی در مردم بود. یعنی مردم در این حساس‌ترین لحظات، به دشمن اثبات کردند که مقاومت، شجاعت، شهادت‌طلبی، وحدت ملی و اعتماد عمومی به تصمیم‌گیران و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی تا پای فدا کردن جان‌هایشان ادامه دارد و هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند آنها را از مسیری که در آن هستند، منصرف سازد؛ لذا این چیزی است که در پوشش جان‌فدا، جنبه کفی آن به نمایش درآمده و به وجهی عددی منعکس شده است. اما جنبه‌های عملی و کیفی مکمل این پوشش نیز به صورت دائمی در خیابان‌های شهر با شعارها دیده می‌شد و این فارغ از همه موقعیت‌های شغلی‌ای است که مردم در راستای کمک به جنگ انجام داده بودند؛ از پزشکان و امدادگران و بسیجیان گرفته تا اصحاب هنر و رسانه؛ لذا عدد فزاینده پوشش جان‌فدا، نمادی زبان‌دار است که اجازه نمی‌دهد انواع کنش‌های میدانی مردم ایران در جهت مقاومت به محدوده مکانی آنها خلاصه شود و با جنبه کفی و عددی‌ای که دارد، به آن وسعت ملی و جهانی می‌بخشد تا بیش از پیش دیده شود.

پیام دوازدهم

پوشش جان‌فدا نشانه‌ای از آمادگی و تاب‌آوری ملت ایران تا رسیدن به حقوق ملی خود است.



در جهان امروز، رسیدن به حقوق ملی در عرصه مناقشات بین‌المللی، با بیان مطالبات حقوقی یا قانونی ممکن نیست. با یک پیگیری ملی در یک فرایند تاریخی از آمادگی اجتماعی، انسجام جمعی و ظرفیت تاب‌آوری ملت در مواجهه با فشارها و چالش‌هاست که ملت‌ها به حقوق خود می‌رسند. از این منظر، کنش‌های جمعی گسترده ملت در شرایط سخت می‌تواند به‌عنوان شاخص‌های تجربی سنجش بلوغ اجتماعی و توان پایداری یک ملت در رسیدن به حقوق خود باشد.

مشارکت میلیونی مردم در پوشش جان‌فدا در وضعیت یک جنگ وجودی نشان داد که بخش قابل‌توجهی از جامعه ایران از سطح واکنش فردی عبور کرده و به سطحی از کنش آگاهانه جمعی رسیده است؛ سطحی که در آن افراد، منافع و احساسات شخصی را در چارچوب یک هدف کلان ملی بازتعریف می‌کنند. این گذار، نشانه آمادگی اجتماعی برای پذیرش هزینه، مسئولیت و استمرار در مسیر مطالبات ملی است؛ مؤلفه‌ای که شرط بنیادین دستیابی به حقوق پایدار تلقی می‌شود. تاب‌آوری ملت ایران در این پوشش، به‌صورت پایدار و فعال بروز یافته است؛ یعنی ملت ایران توان ایستادگی تا آخر را همراه با معنا، امید و جهت‌گیری مشخص دارد. پوشش جان‌فدا نشان داد که جامعه قادر است فشارهای مادی و روانی، روایت‌های متعارض و فضای بی‌اعتمادی در زمان جنگ وجودی را مدیریت کرده و حول یک چارچوب ارزشی دفاع از استقلال و عزت کشور در برابر متجاوزان متحد شود.

پیام سیزدهم

مهم‌ترین عامل حجم مشارکت مردمی در پوشش جان‌فدا موضع حق‌گرایانه ایران در این جنگ است.



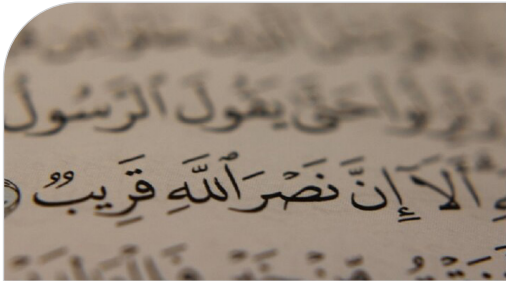
سنت‌های دینی، ادبیات حماسی و تجربه‌های تاریخی نسل‌ها منتقل شده و در حافظه جمعی ایرانیان نهادینه شده‌اند. از همین رو، جامعه ایرانی نسبت به مفهوم حق علاوه بر واکنشی عقلانی، نوعی حساسیت عاطفی و اخلاقی نیز دارند که در برابر باطل فعال می‌شود؛ حساسیتی که مردم را به سمت مشارکت در امر جمعی هدایت می‌کند.

پوشش جان‌فدا را می‌توان نمونه‌ای روشن از فعال‌شدن همین زیرساخت فرهنگی دانست. مشارکت گسترده در این پوشش بیانگر آن است که مردم، هنگامی که یک کنش یا موضوع را در چارچوب حق‌طلبی اخلاقی معنا کنند، به‌سرعت وارد وضعیت بسیج ارزشی می‌شوند. این بسیج، نتیجه سازوکارهای معرفتی و فرهنگی ریشه‌دار است. این سازوکار به عنوان چارچوب معنابخش هنجاری عمل می‌کند؛ چارچوبی که به افراد نشان می‌دهد کدام کنش، بار ارزشی مثبت دارد و مشارکت در آن درست است.

پوشش جان‌فدا نشان می‌دهد که جامعه ایرانی هنوز واجد نوعی اخلاق جمعی حق‌محور است؛ اخلاقی که ترکیبی از سنت‌های دینی، روایت‌های ملی و تجربه‌های تاریخی است و در بزنگاه‌های خاص فعال می‌شود. مشارکت میلیونی در پوشش جان‌فدا را می‌توان به‌عنوان واکنشی فرهنگی به ادراک عمومی از امر متعالی تحلیل کرد. مردم، فارغ از تفاوت‌های طبقاتی و سیاسی، هنگامی که یک موضوع را با معیارهای حق‌گرایانه فرهنگ خود منطبق ببینند، وارد میدان مشارکت جمعی می‌شوند. حجم مشارکت در پوشش جان‌فدا بیش از آنکه محصول محرک‌های بیرونی باشد، بازتاب ریشه‌های حق‌طلبی در فرهنگ ایرانی است؛ ریشه‌هایی که همچنان در شکل‌دادن به کنش‌های جمعی نقش تعیین‌کننده دارند.

پیام چهاردهم

بیعت ۳۰ میلیونی، نویدبخش نزول سکینه، فتح قریب و نصرت‌های پیاپی الهی است.



عبور آمار پوشش «جان‌فدا برای ایران» از مرز ۳۰ میلیون نفر، تداعی‌گر یکی از درخشان‌ترین مفاهیم قرآنی است: «بیعت رضوان». وقتی مسلمانان در سال ششم هجری، در شرایطی حساس، با گذشتن از جان خویش، زیر یک درخت با ولی خدا پیمان جان‌فدایی بستند و خداوند در آیه ۱۸ سوره مبارکه «فتح»، رضایت خود از آنان را اعلام می‌کند: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ»، امروز نیز این حضور بی‌نظیر، تجلی همان اراده و اخلاص است. اما ثمره و برکت این جان‌فدایی و اعلام آمادگی چیست؟ مجموعه‌ای از وعده‌های شگفت‌انگیز و تخلف‌ناپذیر الهی، آرامش و پیروزی‌های نزدیک، نزول آرامش بر قلب‌ها «وَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَیْهِمْ» و پاداشی از جنس گشایش‌های نزدیک، همچون فتح قلعه‌های ۷ گانه خیبر «وَأُتَاهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا». سرازیرشدن برکات و غنائم فراوان «مَغَانِمَ كَثِيرَةً» و دفع شر بدخواهان تا دست دشمنان از سر کشور کوتاه شود «وَكُفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُم». تبدیل‌شدن این ملت مبعوث شده به الگوی آزادگان جهان «وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» و رقم‌خوردن پیروزی‌هایی فراتر از توان مادی ما که تنها در احاطه قدرت خداست «وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَیْهَا». انزوا و فرار دشمنان به‌گونه‌ای که یاری ایستادگی نداشته باشند؛ این یک سنت لایتغیر الهی است «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».

بیعت ۳۰ میلیونی جان‌فدایان، تکرار باشکوه اراده جبهه حق است. وقتی ملتی این‌گونه صادقانه و یکپارچه به میدان می‌آید، براساس سنت‌های الهی، نتیجه روشن است: عقب‌نشینی دشمنان و طلوع «فتح مبین» برای ایرانی قوی! «إِنَّا قَدْ خَلْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِینًا» (فتح‌۷)



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	اعلام آمادگی میلیونی مردم، محاسبات دشمن برای مواجهه آینده را تغییر خواهد داد.
۵	پیام دوم	مشارکت گسترده مردم در پوشش جان‌فدا، دست دشمن را در مذاکرات از باج‌گیری کوتاه می‌کند.
۶	پیام سوم	آمار بالای پوشش جان‌فدا نشان از اراده، ایستادگی و مقاومت ملت ایران است.
۷	پیام چهارم	پوشش جان‌فدا این پیام را به بیرون از مرزها مخابره می‌کند که ایران در برابر تهدید منفعل نیست.
۸	پیام پنجم	پوشش جان‌فدا به وضوح نشان داد که مردم ستون اصلی امنیت ملی هستند.
۹	پیام ششم	پوشش جان‌فدا عبق هویت ملی ایرانیان را ظاهر کرد.
۱۰	پیام هفتم	این پوشش، یک پاسخ مردمی در میدان همبستگی در برابر جنگ روایت‌هاست.
۱۱	پیام هشتم	پوشش جان‌فدا اثبات چندین باره فرهنگ جمع‌گرایی ایرانیان است.
۱۲	پیام نهم	مشارکت مردم در پوشش جان‌فدا نشان داد ملت و دولت ایران از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.
۱۳	پیام دهم	پوشش جان‌فدا نشان داد که جنگ شناختی می‌تواند معکوس عمل کند و روحیه داخلی را تقویت نماید.
۱۴	پیام یازدهم	پوشش جان‌فدا نمایانگر حقیقت فرهنگ انقلابی مردم ایران است.
۱۵	پیام دوازدهم	پوشش جان‌فدا نشانه‌ای از آمادگی و تاب‌آوری ملت ایران تا رسیدن به حقوق ملی خود است.
۱۶	پیام سیزدهم	مهم‌ترین عامل حجم مشارکت در پوشش جان‌فدا موضع حق‌گرایانه ایران در این جنگ است.
۱۷	پیام چهاردهم	بیعت ۳۰ میلیونی، نویدبخش نزول سکینه، فتح قریب و نصرت‌های پیاپی الهی است.

۴۵

نبرد سرنوشت؛

ارتش
۳۰ میلیونی

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران



نبرد سرنوشت مجموعه پیام های بیسی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

اعلام آمادگی میلیونی مردم، محاسبات دشمن برای مواجهه آینده را تغییر خواهد داد.



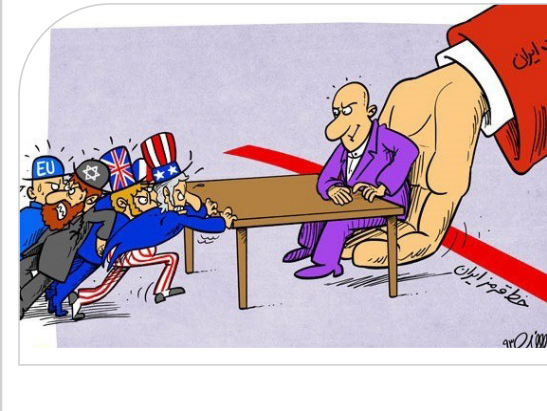
تصور جامعه چندقطبی و فروپاشیده از ایران در ذهن دشمنان، توهمی بود که محاسبات آنها را به خطا و انحراف کشاند. دشمن، سال‌ها با سرمایه‌گذاری بر روی ایده‌های متوهمانه‌ای مانند شکاف‌های نسلی، قومی و مذهبی، تلاش کرد تصویری از ایران ازهم‌گسیخته و آماده فروپاشی را در افکار عمومی و محافل تصمیم‌گیری بین‌المللی جا بیندازد. تلاش او در ایجاد دوقطبی های مختلف اجتماعی، اقداماتی از این دست بود. آنان با بهره‌گیری از شبکه‌های گسترده رسانه‌ای و عملیات روانی، به دنبال همراهسازی بخش‌هایی از جامعه با پروژه براندازی نرم و سخت خود بودند. هدف اصلی آنان ایجاد تردید در اراده ملی و دامن زدن به نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی بود تا بتوانند از این شکاف‌ها به عنوان نقطه

ضعف در میدان سخت و اهرم فشار در مذاکرات استفاده کنند.

اما پویش جان‌فدا باطل‌السحر همه این طرح‌ها بود. حضور میلیونی و خودجوش مردم در این پویش، پس از سنگین‌ترین کمپین های نظامی و شناختی دشمن و ایجاد فشار مضاعف بر مردم، نه تنها توهم جامعه چندقطبی را نقش برآب کرد، بلکه اثبات نمود که ملت ایران علیرغم تفاوت‌های سلیقه‌ای و سیاسی، در موضوعات حیاتی مانند حفظ استقلال، تمامیت ارضی و آرمان‌های انقلابی، کاملاً متحد و یکپارچه است. دشمن ناگهان با واقعیتی غیرمنتظره روبرو شد، جامعه‌ای به غایت مستحکم و ایستاده بر اصول خود که نه تنها با تطمیع و تهدید از پا در نمی‌آید بلکه همبستگی و اتحاد خود را افزایش می‌دهد. این اعلام آمادگی میلیونی مردمی، محاسبات دشمن را برای هرگونه مواجهه آینده، چه در میز مذاکره و چه در میدان، به کلی تغییر خواهد داد. آنان دریافته‌اند که هرگونه باج‌گیری و تحمیل خواسته، با پاسخی قاطع از سوی ملت همراه خواهد بود. از این جهت می‌توان گفت، پویش جان‌فدا، خط بطلانی بود بر سناریوهای ساده‌انگارانه تجزیه و فروپاشی ایران و دشمن دریافت که با ایرانی به غایت پیچیده و مستحکم روبرو است که قادر است سناریوهای خصمانه و چندیوجهی آنها را نقش بر آب کند.

پیام دوم

مشارکت گسترده مردم در پویش جان‌فدا، دست دشمن را در مذاکرات از باج‌گیری کوتاه می‌کند.



مذاکرات از منظر طرف آمریکایی، بخشی از کارزار نظامی و جنگی به شمار می‌رود. آنها به موازات اقدامات خصمانه حداکثری، در میز مذاکره نیز به دنبال باج‌گیری، تسلیم بی‌قیدوشرط و تحمیل خواسته های حداکثری خود به طرف مقابل هستند. مشارکت چشم‌گیر مردم در پویش جان‌فدا در کنار حضور حماسی شبانه در خیابان‌ها، پشتوانه مهمی برای تیم مذاکره کننده ایرانی ایجاد کرد. ملتی که در خیابان‌ها همواره شعار حمایت و پشتیبانی از نظام را سر می‌دهد و مطالبه ایستادگی بر روی منافع ملی و شروط تعیین شده رهبر انقلاب در میز مذاکره را طلب می‌کند، در میدان کارزار نظامی و سخت هم اعلام آمادگی کرده است. همچنین این پویش، نشان‌دهنده بلوغ سیاسی و آگاهی بالای جامعه ایرانی است که با درک صحیح از شرایط حساس، در صحنه حاضر می‌شود تا اجازه ندهد دشمن از مذاکرات به عنوان ابزاری برای باج‌گیری و تحمیل خواسته‌های خود استفاده کند. در نتیجه، مشارکت حداکثری در این پویش، تضمین‌کننده شکست استراتژی فشار حداکثری و زمینه‌ساز پیشبرد اهداف ملی در عرصه بین‌المللی خواهد بود. شرکت در پویش جان‌فدا این پیام را به طرف مذاکره کننده ابلاغ می‌کند که طیف های متنوع مردمی بر سر آرمان های خود ایستاده است و حاضر است تا پای جان هزینه‌های آنرا بپردازد و در مقابل زیاده خواهی‌های متوهمانه دشمن به هیچ‌وجه کوتاه نخواهد آمد. چنین همبستگی ملی دشمن را از محاسبه غلط درباره فروپاشی اراده عمومی باز می‌دارد و افق روشنی برای پیشبرد دیپلماسی عزتمندانه و موفق ترسیم می‌کند.



نبرد سرنوشت مجموعه پیام های بیسی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

آمار بالای پویش جان‌فدا نشان از اراده، ایستادگی و مقاومت ملت ایران است.



زمانی که کشور ما با تجاوز خارجی روبرو شد، قیام مردم برای اعلام آمادگی دفاع از میهن می‌تواند به یکی از معنادارترین نمادهای همبستگی ملی تبدیل شود. در چنین وضعیتی، راه‌اندازی یک پویش داوطلبی سراسری و ثبت‌نام میلیون‌ها نفر، صرفاً یک آمار سرد و خشک نیست؛ بلکه «نقشه‌ای از اراده جمعی» است که در قالب عددها خود را نشان می‌دهد. وقتی تعداد داوطلبان پویش دفاعی به سی میلیون نفر رسیده، این رقم نه یک عدد صرف، بلکه سی میلیون تصمیم، سی میلیون اراده و سی میلیون اعلام حضور است. پشت هر عدد، فردی ایستاده که در شرایط حمله دشمن، انتخاب کرده که بی‌تفاوت نماند و سهم خود را

هرچند کوچک ادا کند. در چنین شرایطی، این ارقام تبدیل به زبانی می‌شوند که پیام ملت را به روشنی منتقل می‌کند: «ایستاده‌ایم!» این حجم از مشارکت داوطلبانه، یک پشتوانه روانی و راهبردی بزرگ برای ساختار دفاعی و مدیریتی کشور به شمار می‌آید. حتی اگر همه افراد مستقیماً به میدان نروند، نفس ثبت‌نام آن‌ها نشان می‌دهد که جامعه نه دچار ترس شده و نه دچار دوگانگی؛ بلکه در لحظه تهدید، حول دفاع از سرزمین خود به یک اراده واحد تبدیل شده است. هر عدد در چنین پویشی، یک نقطه روشن از مقاومت جمعی است. این عددها کنار هم قرار می‌گیرند و تصویری می‌سازند که بزرگ‌تر از هر آمار دیگری است: تصویری از ملتی که در روز سخت، پشت سر ایران اسلامی، ایستاده است.

پیام چهارم

پویش جان‌فدا این پیام روشن را به بیرون از مرزها مخابره می‌کند که جامعه ایران در برابر تهدید منفعل نیست.



ماهیت جنگ روانی دشمن بر یک پیش‌فرض ساده استوار است، ایجاد رعب و تردید در درون جامعه هدف. مهاجمان شناختی تصور می‌کنند با بمباران اطلاعاتی، بزرگ‌نمایی تهدیدها و القای ناامیدی می‌توانند شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کنند. آنها گمان می‌برند جامعه‌ای که تحت فشار اقتصادی و رسانه‌ای قرار دارد، در بزنگاه تهدید خارجی از هم می‌پاشد. پویش جان‌فدا این پیش‌فرض را به روشنی باطل کرد. آنچه رخ داد دقیقاً خلاف جهت مورد انتظار دشمن بود، فشار بیرونی واکنشی درونی و گسترده آفرید که از مرز ۳۰ میلیون مشارکت‌کننده همزمان با نگرارش این متن گذشت. هنگامی‌که تهدید، هویت جمعی را نشانه می‌رود، انسان‌ها به جای تسلیم، به ریشه‌های تعلق خود چنگ می‌زنند. فشار روانی دشمن در مورد ایران به جای ایجاد انفعال، موتور محرکی شد برای بازتولید همبستگی. هر شهروندی که نام خود را در این پویش ثبت کرد، در واقع پاسخی شخصی به جنگ شناختی داد و اعلام کرد که ارعاب، او را از میدان بیرون نرانده و به‌عکس مصمم‌تر به صحنه آورده است. نکته درخشان این رویداد، ماهیت خودجوش آن است. در بسیاری از الگوهای تاریخی، مقاومت در برابر جنگ روانی نیازمند فرماندهی متمرکز و بسیج سازمان‌یافته است. اما جان‌فدا که پویشی ساده و کم‌هزینه است نشان داد که سرمایه اجتماعی انباشته در لایه‌های جامعه ایران، خودبه‌خود و بدون نیاز به فراخوان‌های پرهزینه، می‌تواند به یک سپر دفاعی تبدیل شود. این دقیقاً همان نقطه‌کور محاسبات دشمن است، ناتوانی در درک پیوندهای عاطفی و هویتی که ملت ایران را به هم متصل می‌کند. جنگ شناختی مدرن برای تضعیف روحیه، طراحی شده، اما تجربه جان‌فدا نشان داد که ملت ایران این معادله را وارونه کرد. تهدید بیرونی به بستری برای بازسازی اقتدار درونی بدل شد و این همان درسی است که دشمنان این سرزمین دیر یازود باید بیاموزند، حمله به هویت ایرانی راه منفعل کردن ملت ایران نیست زمانی که این هویت مورد حمله قرار بگیرد شعله‌های وفاداری را فروزان‌تر می‌سازد. پویش جان‌فدا؛ بانیهای راهبردی و مستند از شکست جنگ روانی در برابر اراده یک ملت است.



نبرد سرنوشت مجموعه پیام های بیسی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پویش جان‌فدا به وضوح نشان داد که مردم ستون اصلی امنیت ملی هستند.



نظام ایران نظامی مردم‌سالار است که هم فرایند تأسیس را بر عهده داشت چنان‌که بدون شلیک گلوله‌ای حضرت روح‌الله ره با الله‌اکبرهای خیل عظیم جمعیت در اقصی نقاط کشور نظام استبداد استعماری را فتح کرد، و هم در فرایند تثبیت در انواع بزنگاه‌ها مانند دفاع مقدس هشت‌ساله کاملاً مردمی و بدون از دست‌دادن یک وجب خاک، کشور را به پیروزی رساند. اینک نیز که دو قدرت هسته‌ای که یکی رأس نظام سلطه جهانی است و دیگری وحشی‌ترین رژیم فرانژادپرست به ما هجوم آورده‌اند، دوباره این مردم و این ساخت مردم‌سالار به میدان آمده است. جلوه ظاهراً غیرمنتظم آن جوشش میلیون‌ها انسان در پاسداشت حریم ایران و خون‌خواهی رهبر شهید در شهرها و روستاهای ماست که از همان لحظه مواجهه با حمله تانکون به‌شکلی خستگی‌ناپذیر در اعلام وطن‌دوستی و آمادگی رزم با دشمن در میدان بوده‌اند و همزمان ضلع مهمی از نقشه دشمن مبنی بر فتنه و ترور داخلی را خنثی کرده‌اند. اما شروع حرکت جان‌فدا- با نام بامسمایش- که مشخصات افراد را منضم به اعلام ایشان برای مقابله با هرگونه تجاوز دشمن به‌صورتی رسمی و ساختارمند ثبت کرده و در ایام نخستین زرمزه هجوم دشمن به جزایر و سرزمین‌های داخلی کشور شروع شد، سخنی نو و بدیع دارد؛ وقتی بیش از ۳۰ میلیون نفر در حدود ۲۰ روز این آمادگی را اعلام داشتند، درواقع کمیت و جمعیت انبوه خویش را به رخ دشمن کشیدند و نشان دادند ستون اصلی امنیت ملی کشور باز هم مردم هستند. طبعاً یکایک این افراد دارایی توانایی‌هایی هستند که کشور در این دفاع مقدس و حتی پس از آن می‌تواند از ایشان بهره جوید اما گیریم که فقط از میان این کمیت انبوه، چندمیلیون نفر آمادگی کار با سلاح را به‌صورت کاملاً بالفعل داشته باشند؛ همین میزان هم به معنای وجود بیش از یک ارتش و سپاه دیگر در عقبه کشور برای حراست نظامی در لحظه و بدون هرگونه توقف ناشی از آماده‌سازی است.

پیام ششم

پویش جان‌فدا عمق هویت ملی ایرانیان را ظاهر کرد.



یکی از ویژگی‌های متمایز جامعه ایرانی، تداوم تاریخی فهم ملی از خود است؛ فهمی که ریشه در لایه‌های عمیق تمدنی، زبانی و فرهنگی ایران دارد. از دوران باستان تا امروز، مفهوم ایران نه‌فقط یک قلمرو جغرافیایی، بلکه یک افق معنایی مشترک بوده است؛ افقی که در اسطوره‌ها، شاهنامه، سنت‌های آیینی، زبان فارسی، حافظه تاریخی و تجربه‌های مشترک بازتولید شده است. این تداوم، نوعی هویت ممتد ساخته که نسل‌های مختلف را علی‌رغم تغییرات سیاسی و اجتماعی، در یک چارچوب معنایی واحد پیوند داده است. هویت ملی زمانی پایدار تلقی می‌شود که به سطح درونی شدن عاطفی برسد؛ یعنی افراد، تعلق به ملت را نه صرفاً یک برجسب حقوقی، بلکه بخشی از خود اخلاقی و وجودی‌شان بدانند. جامعه ایران از دیرباز چنین ساختاری داشته است، ایران به‌مثابه خانه تاریخی، خاطره مشترک و میراث تمدنی مردمان این سرزمین بوده است. این فهم ملی در دوره‌های مختلف تاریخی-چه در قالب مقاومت فرهنگی، چه در قالب بازسازی تمدنی، و چه در قالب هم‌بستگی اجتماعی-خود را نشان داده است.

پویش جان‌فدا را می‌توان یکی از نموده‌های معاصر همین هویت عمیق دانست. مشارکت گسترده

و چند ده میلیونی در این پویش، فعال شدن لایه‌های رسوب‌کرده هویت ملی در حافظه جمعی بود.

چنین مشارکتی نشان می‌دهد که ایران همچنان برای بخش بزرگی از جامعه، یک مفهوم زنده و درونی

است؛ مفهومی که در لحظات خاص به کنش جمعی تبدیل می‌شود. پویش جان‌فدا را می‌توان تجلی

مدرن سنت دیرپایی دانست که در آن ایرانیان، در بزنگاه‌های تاریخی، احساس تعلق مشترک خود

را به شکلی ملموس بروز می‌دهند. این پویش، بیش از آنکه یک رخداد منفرد باشد، نشانه‌ای از

عمق هویت ملی ایران است؛ هویتی که از گذشته‌های دور تا امروز استمرار یافته و همچنان توان

تبدیل‌شدن به کنش جمعی را دارد.



نبرد سرنوشت مجموعه پیام های بیسی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام هفتم

این پویش با نمایش آمادگی نظامی، یک پاسخ مردمی در میدان همبستگی در برابر جنگ روایت‌هاست.



جان‌فدا با اعضای ۳۰ میلیونی‌اش تاکنون فقط نشان از آمادگی نظامی و رزمی ایرانیان برای دفاع جانانه و جان‌فدایانه از کشورشان را ندارد؛ معنایی عمیق‌تر در کار است. دشمنان ما در تمام این سال‌ها با سرمایه‌گذاری سنگین بر بخش عملیات روانی و جنگ ترکیبی و با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان با پول‌های کثیف عبری-عربی و نیز شبکه‌های اجتماعی‌ای که برای تغذیه سوبه‌مندشان طراحی‌ها و هزینه‌ها می‌کنند، اذهان جامعه ایران را هدف قرار داده‌اند. شدت این همه‌ها چنان بوده که نمی‌توان انکار کرد ما برخی از جوانان و حتی مسن‌ترهای خویش را در این هجوم نرم در صف دشمن دیدیم و ایشان در برخی اغتشاشات، اقداماتی رادیکال داشتند و بلکه ازاین‌طریق و متکی بر آن اساساً دو جنگ اخیر بر ما تحمیل شد؛ وقتی که دشمن احساس کرد در درون ما یک قشر و طبقه متأثر و پای کار خویش دارد همین را در اتاق‌های جنگ به‌فاکتور اصلی تصمیم‌سازی ماشین جنگی خویش بدل کرد. اینک اما جان‌فدا باطل‌السحر آن طراحی‌ها و روایت‌ها شده است؛ اینکه اگر واقعاً کشور ما نبرد روایت‌ها را به‌کلی باخته است، چرا تاکنون ۳۰ میلیون نفر فدایی آماده نبرد و اسلحه به دست با آن بیعتی مجدد داشته‌اند؟! اگر ایران واقعاً کشوری از دست‌رفته است چنان‌که سیاه‌نمایی‌های جنگ روایت‌های دشمن همین را دنبال می‌کرد چرا این خیل عظیم جمعیت بدان دل بسته‌اند؛ این کدام زندان است که این همه عاشق فدایی و آرزومند دارد؟! اگر مردم ایران غیر از جمهوری اسلامی و طایفه محدود ارزشی‌ها -به تعبیر دشمنان‌اند- چرا ۳۰ میلیون نفر از ایرانیان حاضرند خون خویش را به پای ساختار جمهوری اسلامی بریزند؟ این ۳۰ میلیون ارزشی جوشیده از زمین و زمان واقعاً کیستند و از کجا آمده‌اند؟! واقعیت این است که ده‌ها کلان‌روایت دشمن در مقابل پویش جان‌فدا از مخالفت با اسلام و روحانیت تا آزادی‌خواهی غربی و مانند آن‌ها اینک با جان‌فدایی ایرانیان رنگ باخته و توسط مردم پاسخی جانانه گرفته است.

پیام هشتم

پویش جان‌فدا اثبات چندین باره فرهنگ جمع‌گرایی میان ایرانیان است.



پویش‌هایی که در سال‌های اخیر در ایران شکل گرفته و توانسته میلیون‌ها نفر را در یک اقدام مشترک گرد

هم آورد، شاهدی مهم بر تداوم و بازتولید فرهنگ

جمع‌گرایی در جامعه ایرانی است. زمانی که یک

پویش به مشارکت ۳۰ میلیونی می‌رسد، نشانه‌ای از

برانگیخته‌شدن همان سازوکارهای تاریخی هم‌بستگی

است که در بطن فرهنگ ایرانی ریشه دارد. جامعه

ایرانی، چه در قالب‌های آیینی و چه در قالب‌های

مدرن‌تر شبکه‌های اجتماعی، همواره تمایل به

کنش‌های جمعی، همدلی گسترده و بسیج هیجانی-

ارزشی حول یک هدف مشترک داشته است. پویش

«جان‌فدا» نمونه روشنی از این ویژگی دیرپاست

که افراد از طبقات اجتماعی مختلف، با انگیزه‌های

گونگون و بدون الزام بیرونی در یک کنش مشارکتی

واحد، هم‌جهت می‌شوند.

در تحلیل جمع‌گرایی ایرانی، مؤلفه‌های برجسته زیادی وجود دارد که به سه مورد آنها در این متن

پرداخته می‌شود. نخست، هم‌بستگی عاطفی و اخلاقی: مشارکت میلیونی نشان می‌دهد که مردم

احساس می‌کنند غرضی از یک امر(ای گسترده‌اند و رفتار فردی‌شان در دل یک اراده جمعی معنا

پیدا می‌کند. دوم، فعال شدن سرمایه اجتماعی پیوندی: شبکه‌های خانوادگی، دوستی و محلی مانند

رگ‌های یک نظام گردش نمادین عمل می‌کنند و پیام پویش را به‌سرعت در جامعه پخش می‌کنند.

سوم، هم‌افزایی نمادین: مشارکت گسترده نوعی تأیید فرهنگی متقابل ایجاد می‌کند؛ یعنی هر فرد

به واسطه دیدن مشارکت دیگران، خود را بیشتر درگیر کنش جمعی می‌بیند. پویش جان‌فدا جزء

آیین‌های مدنی معاصر است که در آن فرهنگ جمع‌گرایی ایرانی بار دیگر خود را آشکار می‌سازد و نشان

می‌دهد که جامعه ایران، باوجود فردیت‌گرایی روبه‌رشد، همچنان ظرفیت بسیج اخلاقی و عاطفی

گسترده دارد. پویش جان‌فدا را می‌توان نمونه‌ای برجسته از استمرار الگوهای هم‌بستگی جمعی

ایرانیان دانست؛ الگویی که ریشه در تاریخ، حافظه فرهنگی و شکل خاص روابط اجتماعی ایرانی دارد.

پیام ۸

نبرد سرنوشت مجموعه پیام های بیسی پیرامون جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران